

## بررسی و آنالیز نقش مولفه‌های بیرونی مدل الماس ملی مایکل پورتر در کسب،

### حفظ و توسعه توان رقابتی

#### (مورد مطالعه: بنادر و دریانوردی بوشهر)

##### مقاله پژوهشی

اکبر جعفری، گروه مدیریت، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

اسماعیل حسن پور\*، استادیار، گروه مدیریت، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

وحیدرضا میرابی، دانشیار، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

فائق احمدی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران

\*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: [dresmaeilhasanpour@gmail.com](mailto:dresmaeilhasanpour@gmail.com)

دریافت: ۹۸/۰۱/۲۷ - پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۸

صفحه ۷۳-۵۵

##### چکیده

دولت به عنوان یک نیروی عمده، همواره در رقابت‌پذیری مؤثر است و با مداخله خود در امور مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اعمال قوانین و مقررات بر رقابت‌پذیری تأثیر مثبت و حتی منفی داشته است. ساختن و حمایت از محیط مناسب برای رشد روز افزون بهره‌وری نگاهها و هدایت روند صنعت و سیاستهای تشویقی و نه کمک‌کننده واحدهای صنعتی جهت کمک به شرایط لازم برای ارتقاء مزیت رقابتی از طریق تأثیر بر هر یک از ابعاد الماس وظیفه دولت است. اتفاقات پیش‌بینی نشده حوادث و مسائلی هستند که بر رقابت‌پذیری تأثیر مثبت و یا منفی - داشته ولی به صورت تصادفی و خارج از کنترل نگاهها، صنایع و حتی دولت‌ها رخ می‌دهند. مایکل پورتر معتقد است که در بیشتر بازارها شانس و اتفاق نقش مهمی دارد. این موارد برای آن دسته از شرکت‌های نوآور فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند که از شروع فعالیت‌های جدید ترسی ندارند. نوع پژوهش، توسعه ای و از نظر هدف اکتشافی - توصیفی، داده‌های تحقیق از نوع کیفی، محل اجرای تحقیق میدانی، دوره زمانی انجام پژوهش مقطعی، روش گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی میباشد. نتایج کلی حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مولفه‌های دولت و شانس مدل الماس ملی مایکل پورتر در بنادر و دریانوردی بوشهر از منظر پاسخ دهندگان جامعه آماری اولویت‌های دوم و سوم بعد از نهاده‌های تولیدی و خدماتی را دارا بودند، که اهمیت و نقش پررنگ این عوامل را در دستیابی به مزیت رقابتی را برای این بندر میسر نموده است. همچنین در خصوص حفظ و توسعه مزیت رقابتی، در بخش مصاحبه نیز تأکید اصلی مصاحبه‌شوندگان بر چگونگی عملکرد و مدیریت این دو عامل بوده است.

واژه‌های کلیدی: زنجیره تامین، پسرکرانه، مناطق ویژه اقتصادی، حمل و نقل چند وجهی، دولت

##### ۱- مقدمه

روند تاریخی خاصی را طی کرده است. اقتصاددانان کلاسیک با نظریه مزیت مطلق و نسبی از پیشگامان مباحث مرتبط با این موضوع در بحث تحلیل بین‌المللی می‌باشند و از آن زمان تا کنون نیز مباحث متعددی پیرامون آن مطرح شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). دولت به عنوان یک نیروی عمده، همواره در

امروزه کسب مزیت رقابتی در گرو این است که سازمان‌ها در ابعاد مختلف به سمت سرآمدی و برتر شدن حرکت نمایند. مزیت رقابتی به مدیران شرکت‌ها نشان می‌دهد که چگونه موقعیت رقیبان‌شان را ارزیابی کنند و در مراحل مختلف واکنش‌های لازم را نشان دهند (دلوی و همکاران، ۱۳۸۹). موضوع مزیت رقابتی

بوشهر بر اساس مدل الماس ملی مایکل پورتر کانون مطالعه و پژوهش قرار گرفته شد.

## ۲- پیشینه تحقیق

چارچوب نظری تحقیق، مبنایی است که پژوهشگر بر اساس آن درباره روابط بین عواملی که در ایجاد مساله مهم تشخیص داده شده اند، نظریه پردازی می کند. مهمترین کارکرد چارچوب نظری این است که به تحقیق جهت می بخشد و ذهن محقق را نسبت به وجوه مشخصی از پدیده ی مورد مطالعه یا بافتی که آن را احاطه کرده است، حساس و هشیار می سازد. به این ترتیب او در همان مراحل اولیه تحقیق چند گام نخست را به سرعت طی می کند. در نتیجه ضمن آنکه در وقت و انرژی محقق صرفه جویی خواهد شد، پژوهش مورد نظر نظم و انسجام بیشتری خواهد داشت. به بیانی دیگر، باید پیوند مفهومی و معنایی مشخصی بین مسأله تحقیق، پرسش های محقق و چارچوب نظری برقرار باشد.

## ۲-۱- برتری نسبی

نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت اگرچه به درک رفتار کشورها در مبادلات بین المللی کمک زیادی نموده است، اما سئوالاتی را در ذهن اقتصاددان های پس از اسمیت مطرح نمود. یکی از این سئوالات این بود که اگر یک کشور در تولید همه کالاها نسبت به سایر کشورها برتری مطلق داشته باشد آنگاه چه نقشی در مبادلات بین المللی می تواند دارا باشد. دیدگاه اسمیت این بود که چنین کشوری نمی تواند در مبادلات خارجی منافی بدست آورد پس احتمالاً در این مبادلات شرکت نخواهد کرد. پس از مدتی دیویدریکاردو با بررسی و نقد تئوری مزیت مطلق نشان داد که این دیدگاه درست نیست. ریکاردو در کتاب اصول اقتصاد سیاسی که در سال ۱۸۱۷ منتشر شد، ادعا نمود که وقتی کشوری در تولید همه کالاها از برتری مطلق برخوردار باشد می تواند کالاهایی را که در آنها بیشترین کارایی را دارد، تولید و صادر کند و در مقابل کالاهایی را که کارآمدی کمتری در آن دارد از خارج وارد نماید. با اجرای چنین سیاستی این کشور هم از مبادلات خارجی منافی کسب خواهد کرد.

رقابت پذیری مؤثر است و با مداخله خود در امور مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اعمال قوانین و مقررات بر رقابت پذیری تأثیر مثبت و حتی منفی داشته است. سیاستهای پولی، مالی و بازرگانی و قوانین مالیاتی قوانین مربوط به صادرات، واردات و ضد تراست نرخ ارز، حجم پول و نرخ بهره، تورم هزینه های دولت و تصمیم گیریهای دیگر در سطح اقتصاد خرد و کلان توافقات رسمی و غیر رسمی مقامات سیاسی برقراری یا توسعه روابط سیاسی تجاری و یا قطع روابط اقتصادی-تجاری با سایرکشورها از جمله بارزترین عوامل تأثیر گذار بر رقابت پذیری بنگاهها، صنایع و کشورها هستند که به طور مستقیم با دولتها درارتباطند. ساختن و حمایت از محیط مناسب برای رشد روز افزون بهره وری بنگاهها و هدایت روند صنعت و سیاستهای تشویقی و نه کمک کننده واحدهای صنعتی جهت کمک به شرایط لازم برای ارتقاء مزیت رقابتی از طریق تأثیر بر هر یک از ابعاد الماس وظیفه دولت است. اتفاقات پیش بینی نشده حوادث و مسائلی هستند که بر رقابت پذیری تأثیر- مثبت و یا منفی- داشته ولی به صورت تصادفی و خارج از کنترل بنگاهها، صنایع و حتی دولتها رخ می دهند. حوادث غیر مترقبه، جنگ، تحریم های اقتصادی، شوک های نفتی، بحرانهای اقتصادی- سیاسی و یا نوآوریهای عمیق تکنولوژیک نمونه ای از اتفاقات پیش بینی نشده هستند. بنا بر این با توجه به برخورداری بنادر و دریانوردی استان بوشهر از مزایا و ویژگیهای خاص خود در بین بنادر ایران و همچنین لزوم ایجاد و به روز رسانی مزیت رقابتی در دنیای به شدت و سرعت رقابتی، محقق در این پژوهش تصمیم دارد تا بر اساس یک چارچوب نظری منسجم و کارا به تعیین و مشخص نمودن نقش هر یک از مولفه های بیرونی مدل الماس ملی مایکل پورتر (دولت - شانس) بر ۴ عامل درونی این مدل در سنجش و توسعه مزیت رقابتی بنادر و دریانوردی استان بوشهر پرداخته و در نهایت مبنا و الگویی برای توسعه مزیت رقابتی از طریق اقدامات اجرایی و بهبود فرآیندها در این سازمان ارائه نماید.

در این راستا دو هدف اصلی تحت عنوان شناسایی وضعیت عوامل مؤثر بر مزیت رقابتی بنادر و دریانوردی استان بوشهر و طراحی الگوی اثربخش مزیت رقابتی در بنادر و دریانوردی استان

مرور نقض گردید. سرمایه در کنار نیروی کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردید و نیروهای کار نیز برحسب مهارتها متمایز شدند. تکنولوژی با سرعت زیاد تغییر یافت، بطوری که واحدهای تولیدی با نوع تکنولوژی متفاوت از هم متمایز گردیدند. بازدهی‌های فزاینده نسبت به مقیاس، مشخصه برخی از صنایع شد و سرمایه و نیروی کار هر دو از تحرک جهانی برخوردار شدند. یکی از فروض این نظریه، ارزش کار است که بیان می‌دارد ارزش یا قیمت یک کالا از طریق مقدار کاری که در تولید آن کالا صرف شده است تعیین می‌گردد که امروزه این بخش از این نظریه مورد توجه اقتصاددانان نیست.

ب- نظریه هزینه فرصت : هابزر با ارایه نظریه هزینه فرصت در سال ۱۹۳۶ نظریه ارزش کار ریکاردو را از بن بست خارج نمود. طبق نظریه هزینه فرصت هابزر، هزینه تولید یک کالا عبارت است از مقدار کالای دیگری که باید از تولید آن صرفنظر کرد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود. بر این اساس کشوری که دارای هزینه فرصت کمتری در تولید یک کالا است در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد. در اینجا این فرض که نیروی کار تنها عامل تولید است یا همگنی نیروی کار وجود ندارد و هزینه یا بهای یک کالا برابر با نیروی کاری نیست که در تولید آن به کار رفته است. کشوری که در آن هزینه فرصت از دست رفته یک کالا پائین تر باشد دارای مزیت نسبی در تولید آن نسبت به کالاهای دیگر است. بدین ترتیب نظریه هزینه فرصتهای از دست رفته بصورتی قابل قبول قانون مزیت نسبی را بیان می‌کند، زیرا می‌پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیر همگن معمولاً به نسبت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. همچنین امکان افزایش هزینه فرصتهای از دست رفته را در تولید بیشتر هر کالا قبول دارد. باین ترتیب قانون مزیت نسبی را می‌توان بر حسب هزینه فرصتهای از دست رفته مختلف یا بر حسب اختلاف قیمت نسبی کالاها در کشورهای مختلف بیان کرد که اساس تجارت بین کشورها می‌باشد. هابزر از جمله نخستین افرادی است که بین تجارت خارجی و توسعه اقتصادی پیوند برقرار می‌کند. منابع پویای تجارت بین‌الملل از نظر وی به شرح زیر است:

- ۱- منابع بین‌الملل ابزار مادی لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد.
- ۲- تجارت آزاد مهمترین سیاست ضد انحصاری

الف- نظریه مزیت نسبی ریکاردو : ریکاردو حدود ۴۰ سال بعد نظریه ی مزیت نسبی را ارائه نمود که بخش مهم تجارت جهانی را شامل می‌شود. سئوالی که آدام اسمیت نتوانست به آن جواب بدهد، این بود که آیا تجارت بین کشورهایی که در تولید تمامی کالاها دارای مزیت مطلق هستند برقرار می‌باشد یا خیر؟ در سال ۱۸۱۷ دیوید ریکاردو در جواب به این پرسش قانون مزیت نسبی را مطرح کرد. این نظریه بر پایه مفروضات زیر است:

۱. دو کشور دو کالا ۲. نظریه ارزش کار ۳. نیروی کار در یک کشور کاملاً متحرک و در سطح بین‌المللی غیر متحرک ۴. رقابت کامل در بازار عوامل تولید و محصولات ۵. توزیع درآمد در یک کشور تحت تاثیر تجارت نیست ۶. تغییرات فنی صورت نمی‌گیرد ۷. هزینه تولید ثابت است ۸. هزینه حمل و نقل صفر است ۹. تجارت پایاپای وجود دارد. بر طبق نظریه ریکاردو اگر کشوری در تولید هر کالا دارای مزیت مطلق باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود، زیرا که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد که هزینه نسبی تولید آن در داخل کشور پایین تر باشد و کالایی را وارد می‌نماید که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد. ریکاردو اظهار داشت حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین هر دو طرف صورت بگیرد و کشوری که دارای کارایی کمتری است باید در صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت مطلق کمتری ندارد. این همان کالایی است که آن کشور در تولید آن دارای مزیت نسبی است. از سوی دیگر باید کالایی را که مزیت مطلق بیشتری ندارد را وارد کند. این قانون که به قانون مزیت نسبی معروف است هنوز کماکان یکی از مشهورترین قوانین اقتصادی در تجارت بین‌الملل است. با مروری گذرا بر فروض نظریه ی مزیت نسبی ریکاردو می‌توان مشاهده نمود که چرا این فروض مورد نقد قرار گرفته است. زمانی که دیوید ریکاردو نظریه ی خود را مطرح نمود، در اوایل قرن نوزدهم بود و در انگلستان نیروی کار مهمترین عامل تولید قلمداد می‌گردید که در اکثر کالاها نقش اساسی را برعهده داشت. در آن دوران اکثر کارگران مهارتهای تخصصی کمی داشتند، بنابراین فرض نیروی کار همگن فرض درستی بود. اما با گذشت زمان این فروض به

برگشت پذیری بازردهی عوامل تولید روبرو هستیم، صادق می باشد و همچنین می توان نشان داد که تجارت ممکن است بر هزینه های کاهنده نیز استوار باشد.

نظریه هکشر- اوهلین خود بر فروض خاصی استوار است که از آنجمله کشورها دارای سلیقه یکسانند، تکنولوژی مشابهی بکار می برند و بازده به مقیاس تولید ثابتی دارند ولی از نظر استعداد عوامل تولید به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت دارند. در صورتی که سلیقه ها یا شرایط تقاضا مشابه باشند اختلاف در استعداد عوامل تولید منجر به تفاوت در قیمت نسبی عوامل تولید میان کشورها می شود که به نوبه خود منجر به تفاوت در قیمت نسبی کالاها و تفاوت در تجارت می گردد. لذا در نظریه هکشر- اوهلین تفاوت بین المللی در شرایط عرضه به تنهایی الگوی تجارت را تعیین می کند و طبق این نظریه هر کشور به صدور کالایی دست خواهد زد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد می کند که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب را بکار ببرد. به هر صورت نظریه هکشر- اوهلین در مورد اینکه چگونه تجارت روی قیمت عوامل تولید و توزیع درآمد هر کشور اثر می گذارد مطالب سودمندی ارائه می دهد که اقتصاددانان کلاسیک راجع به آن صحبت نکرده بودند (ویسی، ۱۳۹۳).

ث- مزیت نسبی پویا: در سال ۱۹۸۷ رابطه بین تجارت و رشد تکنولوژی توسط کروگمن به معرفی مزیت پویا منجر گردید. در این مفهوم، مزیت اکتسابی بوده و همراه با تغییر در موجودی عوامل و فناوری تغییر می کند. بکارگیری صرفه های مقیاس، کارایی در تولید و تخصص و مهارت نیز از جمله عواملی هستند که سبب تغییر در مزیت نسبی می شوند (جانی، ۱۳۹۰). کروگمن در مقاله های خود این گونه می نویسد: چرا جهان به کشورهای فقیر و غنی تقسیم شده است؟ بسیاری از منتقدان استدلال می کنند که تمایل ذاتی برای نابرابری های بین المللی به افزایش وجود دارد، اغلب به عنوان نظریه توسعه نابرابر نامیده می شود. توسعه ی نابرابر این گونه ایجاد می شود که اختلاف اولیه در

است. ۳- تجارت بین الملل وسیله انتشار اطلاعات و تکنولوژی است. تجارت، ماشین تحرک و جابجایی بین المللی سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای عقب مانده است (ویسی، ۱۳۹۳).

ت- نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین: نظریه هزینه نسبی ریکاردو تا حدودی علت تحقق تجارت را توضیح می دهد اما بیانی از اینکه چرا نسبت های هزینه نسبی برای کشورهای مختلف متفاوت است، ندارد. این سؤال را هکشر و اوهلین جواب دادند و نظریه خود را بر اساس مفروضات زیر بنا کردند: ۱- دو کشور و دو کالا و دو عامل تولید وجود دارد. ۲- هر دو کشور از تکنولوژی یکسانی برخوردارند. ۳- بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد. ۴- وجود سلیقه های یکسان در هر دو کشور. ۵- وجود بازار رقابت کامل در بازار عوامل تولید و بازار کالاها. ۶- هزینه حمل و نقل وجود ندارد. ۷- تحرک کامل عوامل تولید در داخل و عدم تحرک در سطح بین المللی. ۸- قیمت کالاها برابر با هزینه نهایی آنهاست. نظریه هکشر و اوهلین بر پایه مفروضات نظریه ریکاردو است، ولی دارای یک فرض متعارف است. فرض اساسی در الگوی ریکاردو این بود که توابع تولید دو کشور برای کالاهای مشابه یکسان است ولی هکشر و اوهلین توابع تولید را در تمام کشورها مشابه می داند. این نظریه بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از این عوامل تولید تأکید دارد و با توجه به فروض بالا بیان می نماید که هر کشوری کالایی را صادر می کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است. لذا فراوانی نسبی عوامل بصورت قیمتهای عوامل داخلی نشان داده می شود و در تعیین مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا وفور نسبی عوامل تولید نقش دارند. این نظریه همچنین مطرح می کند که تجارت باعث حذف یا کاهش اختلاف در قیمت عوامل تولید میان کشورها می شود، البته این نظریه تا زمانی که ما با

این تحلیل را تأیید نموده اند اما به هر حال هنوز هم بخشی از ابهامات معمای لئونتیف پابرجاست. به طور کلی اقتصاددان‌ها نظریه هکشر-اهلین را از دیدگاه تئوریک ترجیح می دهند، اما بر این باورند که این تئوری به تنهایی نمی تواند الگوهای تجارت بین الملل را به خوبی توضیح دهد. از دیدگاه این اقتصاد دانها تئوری مزیت نسبی ریکاردو که قبلاً محدودیت های بیشتری برای آن تصور می شد به طور کلی بهتر می تواند الگوهای تجارت خارجی را پیش بینی نماید. بر پایه همین تحلیل ها شاید بهترین راه برای حل این معما این باشد که به نظریه ریکاردو برگردیم. در این نظریه تفاوت های بهره وری در کشورها الگوهای تجارت بین الملل را شکل می دهند. با کمک این نظریه می توان این گونه استدلال کرد که آمریکا به این علت صادر کننده هواپیماهای تجاری و وارد کننده اتومبیل است که در تولید هواپیما نسبت به اتومبیل کارآمد تر است یا بهره وری بالاتری دارد نه صرفاً به خاطر این که از عوامل تولید مورد نیاز هواپیما به وفور برخوردار است (حقیقی، ۱۳۸۸).

پنج انتقاد به تناقض لیونتیف وارد شد که عبارت بود از (حسین پور، ۱۳۹۴):

۱. محققان ادعا کردند سالی که لیونتیف مورد بررسی قرار داده بود، یعنی سال ۱۹۴۷ آمریکا تحت تاثیر جنگ جهانی دوم بوده است، لذا شرایط نرمالی در آمریکا حکم فرما نبوده است، لذا لیونتیف در سال ۱۹۵۱ و با استفاده از داده های آن سال دوباره تحقیقات خود را انجام داد و متوجه شد واردات کالاهای سرمایه بر ۶٪ بیشتر از صادرات آن است، لذا شدت تناقض کاسته شد ولی همچنان پا بر جا بود.

۲. محققان ادعا کردند که لیونتیف سرمایه های انسانی را نادیده انگاشته است (آموزش، بهداشت، مهارت های فنی و حرفه ای و...). اگر سرمایه های انسانی وارد مدل شوند مشاهده می شود که بیشتر صادرات آمریکا سرمایه بر بوده و تناقض از بین می رود.

۳. منابع طبیعی نادیده گرفته شده است. از جمله جنگل ها، معادن و غیره... اگر منابع طبیعی وارد تحقیقات شود مشاهده می شود که در واقع بیشتر کالاهایی که کاربر انگاشته شده در واقع سرمایه بر بوده اند، و این باعث می شود که تناقض از بین برود.

نسبت سرمایه و کار بین دو کشور، در طول زمان انباشته شده، و باعث می شود که جهان به دو بخش منطقه ی سرمایه غنی صنعتی و منطقه ی سرمایه ضعیف کشاورزی تقسیم می شوند، و همانطور که گفته شد پیامد آن توسعه ی نابرابر کشورهاست (کروگمن، ۱۹۸۰). بنابراین مدلی تجاری از مزیت نسبی، ارائه شده که در آن به جای تعیین ویژگی های اساسی کشورها، به تکامل آن ها در طول زمان از طریق آموزش همراه با کار توجه شده است. این نقش منحنی یادگیری ست، به این معنی که، اقتصادهای پویایی وجود دارند که تجارب جمعی گذشته ی آنها، باعث افزایش بهره وری خروجی شان می شود (کروگمن، ۱۹۸۷).

ج- معمای لئونتیف: نظریه هکشر - اهلین یکی از تئوری های بسیار تاثیر گذار در زمینه اقتصاد بین الملل محسوب می شود. بسیاری از اقتصاد دان ها این تئوری را به دیدگاه ریکاردو ترجیح می دهند، زیرا فرضیات ساده ی کم تری در آن وجود دارد و بارها هم مورد آزمون قرار گرفته است.

هنگامی که نتایج مطالعات آقای واسیلی لئونتیف (برنده جایز نوبل ۱۹۷۳) در سال ۱۹۵۳ انتشار یافت ارقام مربوط به آزمونهای این تحقیق، سئوالاتی را در مورد اعتبار نظریه هکشر-اهلین مطرح ساختند. استدلال لئونتیف این بود که بر اساس نظریه وفور عوامل با توجه به این که آمریکا منابع مالی بیشتری نسبت به سایر کشورها در اختیار داشت انتظار می رفت که صادر کننده کالاهای سرمایه بر و در مقابل وارد کننده کالاهای کاربر باشد، اما بر خلاف تصور مشاهده می شد که صادرات این کشور کمتر از وارداتش از کالاهای سرمایه بر تشکیل گردیده اند. چون نتایج مطالعات لئونتیف با پیش بینی های نظریه هکشر-اهلین مغایرت پیدا می کرد آنرا معمای لئونتیف نامیدند. اگرچه برای این معما هیچگاه پاسخ دقیقی ارائه نشد اما یک استدلال نسبتاً قابل قبول مطرح گردید که خلاصه آن بدین صورت است. ایالات متحده در تولید کالاها یا محصولات جدیدی که با نوآوریهای تکنولوژیک بدست می آیند مزیت های ویژه ای دارد. این کالاها ممکن است نسبت به سایر کالاهای صنعتی کمتر سرمایه بر باشند. بنابراین ممکن است آمریکا کالاهایی را صادر نماید که در تولید آنها مقدار زیادی نیروی کار متخصص و کارآفرین و خلاق به کار رفته باشد و در مقابل کالاهایی را وارد نماید که سرمایه بیشتری در آنها به کار رفته است. البته برخی از مطالعات تجربی دیگر هم

توان رقابتی، شرایطی است که یک بنگاه را قادر می سازد با کارایی بالاتر و بکارگیری روش های برتر، محصول را با کیفیت بالاتر عرضه نماید و در رقابت با رقبای سود بیشتری را برای بنگاه فراهم آورد. به عقیده کواسیس (۲۰۰۴) پایه توسعه در یک کشور به توان رقابتی آن کشور بستگی دارد. اگر نیروی کار، مدیریت، زیربناها، دولت و یا محیط تجارت رقابتی باشند، می توان انتظار داشت که فرآیند توسعه در کشور نسبت به کشورهای دیگر با سرعت بیشتری رخ خواهد داد.

#### الف- مزیت رقابت ملی

در سال ۱۹۹۰ مایکل پورتر از دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه هاروارد نتایج یک تحقیق گسترده را انتشار داد که هدف آن پاسخ به این سوال بود که چرا برخی کشورها یا ملت ها در رقابت بین المللی موفق و برخی دیگر ناموفق بوده اند. پورتر و گروه پژوهشی او برای این منظور تعداد یکصد شرکت در ۱۰ کشور را مورد مطالعه قرار دادند. کتابی که نتایج این مطالعه تحقیقی را در بر دارد تحت عنوان «مزیت رقابتی کشورها» کمک مهم و موثری به توسعه تفکرات مربوط به تجارت نموده است. همانند بررسی های نظریه پردازان جدید مطالعات پورتر هم با این گرایش ادامه یافته که تئوری های موجود (عمدتاً کلاسیک) در تجارت بین الملل تنها می تواند بخشی از فرایندهای تجاری را توضیح دهد. پورتر امیدوار بوده که با پیگیری مطالعات خود پاسخی برای این سوال بدست آورد که چرا یک کشور در یک صنعت خاص موفقیت بین المللی کسب می نماید. علت موفقیت ژاپن در صنعت اتومبیل چیست؟ چرا کشور سوئد در تولید و صدور ابزار دقیق و محصولات دارویی برتری بدست آورده است؟ علت این که کشورهای آمریکا و آلمان در صنایع شیمیایی موفقیت متمایز کسب نموده اند، چیست؟ به نظر می رسد که این گونه سئوالات را نمی توان صرفاً با نظریه وفور عوامل تولید (هکشر واهلین) پاسخ داد و تئوری برتری نسبی هم تنها می تواند جنبه هایی از این موارد را توضیح دهد. مثلاً این تئوری می خواهد بگوید که علت پیشرفت سوئد در صنعت ابزار دقیق استفاده کارآمد از منابع تولیدش می باشد. این تحلیل ممکن است درست باشد اما مشخص نمی کند که چرا این کشور در این صنعت از کشورهای انگلستان، آلمان و اسپانیا بهره وری بالاتری

۴. حمایت ها و تعرفه های بازرگانی در مطالعات لیونتیف لحاظ نشده اند. در آن سالها آمریکا از صنایعی که کالاهای کاربر تولید می کردند حمایت میکرد، تحت چنین شرایطی طبیعی است که تولید کالاهای کاربر افزایش می یابد و تولید کالاهای سرمایه بر کاهش می یابد و در نهایت واردات کالاهای سرمایه بر افزایش می یابد.

۵. لیمر در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ اعلام کرد فقط سرمایه و نیروی کار در تولید شرکت سهم ندارند بلکه عوامل دیگری نیز در تولید سهم دارند. برای مثال: تکنولوژی. بنابراین این اشتباه است که از نسبت سرمایه به نیروکار استفاده کنیم، بهتر است از نسبت تولید به مصرف استفاده شود.

#### ۲-۲- توان رقابتی

به عقیده پورتر (۲۰۰۲) برای درک بیشتر مفهوم توان رقابتی، مهم ترین نکته ای که می بایست به آن توجه نمود، بهروزی یک کشور است. سطح استاندارد زندگی در یک کشور از طریق بهره وری اقتصاد آن کشور به دست می آید که از طریق ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی اندازه گیری می شود. بهره وری اقتصاد یک کشور، به ارزش کالاها و خدمات تولید شده براساس قیمت های بازار آزاد بستگی دارد. بنابراین، توان رقابتی واقعی به وسیله بهره وری اندازه گیری می شود. به اعتقاد باکلی و همکاران، توان رقابتی شامل هر دو مفهوم کارایی (دستیابی به پایین ترین هزینه ممکن) و اثربخشی (داشتن اهداف درست) می باشد. به عبارت دیگر، توان رقابتی ابزار لازم برای رسیدن به اهداف را دربردارد.

از دیدگاه آنکتاد واضح ترین نگرش به رقابت پذیری از مسیر مقایسه عملکرد اقتصاد کلان و استاندارد زندگی جامعه براساس بهره وری عوامل تولید به دست می آید. مفهوم دقیق توان رقابتی، توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی است کوهمن (۱۹۸۴) معتقد است که توان رقابتی را می توان به صورت توانایی یک اقتصاد برای ثابت نگه داشتن و به تدریج افزایش دادن سهم خود در بازارهای بین المللی تعریف کرد به شرطی که استانداردهای زندگی را برای حاضران در فرآیند رقابت پذیری بهبود بخشد و یا دست کم مانع افت این استانداردها شود.

تکنولوژی شرایط و وضعیت عمومی عوامل تولید را تحت تاثیر قرار دهد.

#### ب- رقابت بر مبنای شایستگی

زمینه مطالعه نگرش رقابت بر مبنای شایستگی اساساً بر نگرش بر مبنای منابع است، تا حدی که برخی از نویسندگان مانند مایکل پورتر اعتقاد دارند تفاوتی بین آنها وجود ندارد. با این حال، نگرش رقابت بر مبنای شایستگی نسبت به نگرش بر مبنای منابع از ویژگی عملگرایی و تعمدی بودن بیشتری برخوردار بوده، بر جنبه های رفتاری برنامه ریزی استراتژیک تأکید دارد و بدین جهت دارای قلمرو چشم انداز وسیع تر است. به علاوه موننگومری اعتقاد دارد که نگرش بر مبنای شایستگی فرایندگرا است، در حالی که نگرش بر مبنای منابع اینگونه نیست. بررسی پیشینه آکادمیک رقابت بر مبنای شایستگی بیانگر این است که اولین بار سلزنیچ به شایستگی متمایز اشاره کرده است، با این حال، روش استراتژیک بر مبنای شایستگی اخیراً با مقاله معروف پراهالاد و هامل مورد توجه جدی قرار گرفته است (مهری و همکاران، ۱۳۸۳). بنابراین نظریات این دو محقق را برای تشریح بیشتر بررسی می کنیم.

ت- شایستگی های محوری: صاحب نظران دیدگاه های متفاوتی را در مورد زمینه های شایستگی ساز برای سازمان ها مطرح کرده اند. بخصوص محیط کسب و کار در دهه های اخیر دچار تغییرات زیادی شده است. مدل های گوناگونی هم برای شناسایی شایستگی های سازمان ها ارائه شده است که هر کدام از یک منظر به قضیه می نگرند، یکی از این مدل ها شایستگی ها به منزله ریشه های رقابت پذیری است که پراهالاد و هامل آن را مطرح کردند (احمد سیما و همکاران، ۱۳۸۴). به این معنی که شایستگی های محوری همچون ریشه های سازمان هستند که محصولات اصلی از آن تغذیه می کنند، این محصولات هر کدام یک یا چند کسب و کار را ایجاد می کنند و در نهایت محصولات نهایی این کسب و کارها وارد بازار می شود (پراهالاد و همکاران، ۱۹۹۰). این دو محقق، عوامل تعیین کننده موفقیت سازمانی را شایستگی های محوری می دانند (مهری و همکاران، ۱۳۸۳). پراهالاد و هامل شایستگی های محوری را به عنوان یادگیری جمعی در سازمان ها به خصوص نحوه هماهنگی مهارت های متنوع تولید و ادغام جریان های چندگانه فن آوری

دارد. در واقع این معمایی است که آقای پورتر به دنبال حل آن بوده است.

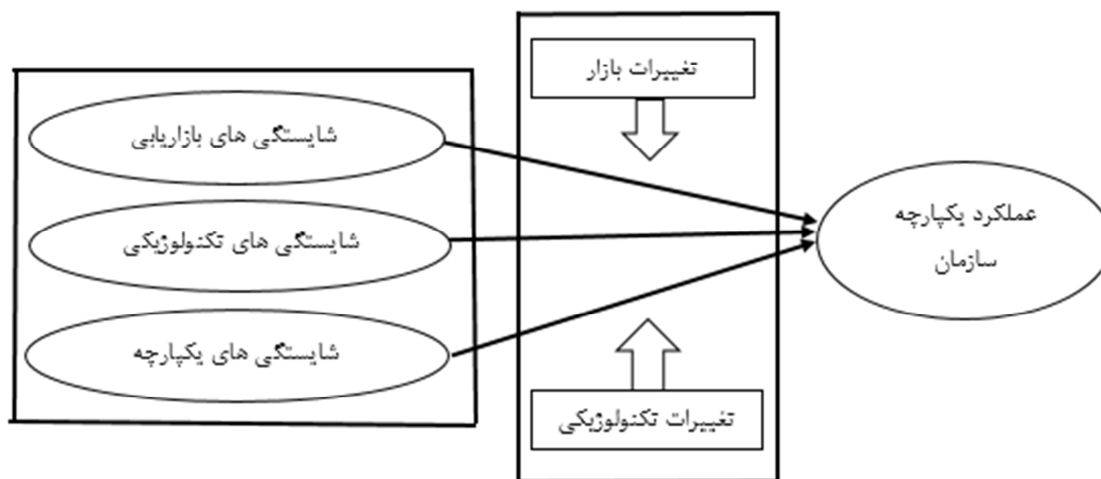
در نهایت تر آقای پورتر این است که در هر کشور، چهار عامل اصلی، محیطی را شکل می دهد که در آن شرکت های محلی به رقابت پرداخته و این عوامل موجب افزایش یا کاهش مزیت رقابتی کشور مورد نظر می گردد. این عوامل عبارتند از:

- ۱- برخورداری از منابع اقتصادی و عوامل اولیه تولید
- ۲- شرایط تقاضا
- ۳- وجود صنایع مرتبط و حمایت کننده وجود و یا عدم وجود صنایع تامین کننده عوامل مورد نیاز موسسات صنعتی در کشور که البته دارای قدرت رقابتی بین المللی هم باشند.
- ۴- نوع استراتژی، ساختار و توان رقابتی شرکت های صنعتی و تجاری کشور

پورتر این عوامل را عناصر تشکیل دهنده لوزی یعنی مدل رقابتی مورد نظر خود می داند. او چنین استدلال میکند که هنگامی شرکت ها می توانند در صنایع یا زیربخشهای صنعتی به خوبی رقابت نمایند که این لوزی در وضعیت بسیار مطلوبی باشد. او همچنین بر این باور است که این لوزی یک سیستم تقویت کننده متقابل یا خود تقویت کننده است. یعنی این که موقعیت یا حالت هر عنصر در وضعیت سایر عناصر تاثیر می گذارد. به عنوان مثال پورتر می گوید شرایط مطلوب تقاضا بخودی خود نمی تواند منجر به مزیت رقابتی گردد مگر اینکه وضعیت رقابتی در حدی باشد که شرکت ها نسبت به آن واکنش نشان دهند. پورتر همچنین اشاره می کند که دو متغیر دیگر نیز می تواند بر لوزی رقابتی ملی به میزان زیادی اثر بگذارد که عبارتند از شانس یا بخت و نقش دولت. رخدادهای ناشی از شانس مانند نوآوریهای عمده تغییراتی را بوجود می آورد که می تواند شکل و ساختار دیگری به یک صنعت بدهد و فرصت هایی را برای شرکت های آن کشور فراهم کند که از شرکت های دیگر پیشی گیرند.

حکومت یا دولت هم از طریق عامل سیاست و جایگاه سیاسی خود می تواند باعث بهبود یا تضعیف برتریهای رقابتی ملی گردد. به عنوان مثال قوانین و مقررات می تواند بر شدت رقابت در یک صنعت و نیز شرایط تقاضای داخلی تاثیر بگذارد و یا این که سرمایه گذاری های دولت در زمینه آموزش و پرورش و توسعه

- برای تقلید توسط رقبا مشکل باشند. در تقسیم بندی فاولر شایستگی های سازمانی به سه دسته تکنولوژیکی، بازاریابی و شایستگی های ناشی از اجماع دو مورد قبل دسته بندی می شوند (سیماب و همکاران، ۱۳۸۴).
  ۱. شایستگی دسترسی به بازار (بازاریابی): شایستگی هایی که به سازمان کمک می کند تا به بازار و مشتریان نزدیک شود. مثل، مدیریت نام و نشان تجاری، مدیریت پخش محصولات.
  ۲. شایستگی های کارکردی (تکنولوژیکی): این شایستگی ها باعث می شود، محصولات و خدمات منحصر به فرد شود و مربوط به بهره مندی شرکت از فناوری خاص است
  ۳. شایستگی های یکپارچه کننده: مهارت هایی که به سازمان اجازه می دهد فعالیت های خود را با انعطاف بیشتر و سریع تر نسبت به رقبای خود انجام دهد.
- تعریف نمودند که به سازمان مزیت رقابتی اعطا می کند (پورسعید و همکاران، ۱۳۹۱). در حقیقت شایستگی های محوری شامل دانشی است که سازمان در طول سال ها با سنجش و آموختن محیط کسب و کار، از طریق مهارت ها و منابع و دارایی های عینی و غیرعینی خود به دست می آورد. از این منظر، کسب شایستگی های محوری، نگاهی عمیق تر به درون سازمان و فرهنگ سازمانی را طلب می کند. با توجه به خصوصیتی که برای رویکرد شایستگی های محوری برشمرده شد، شایستگی های محوری موجب تمایز سازمان از سایر رقبا می شوند و به کمک آنها سازمان می تواند به جای اینکه در مواجهه با بازار انفعالی عمل کند، بر بازار اثرگذار باشد (حمیدی زاده، ۱۳۸۷). از نظر پراهالاد و هامل، هر نوع شایستگی را نمی توان به عنوان شایستگی هسته ای تلقی کرد و تنها شایستگی هایی که دارای ویژگی های سه گانه زیر باشند، شایستگی های محوری های سازمان را تشکیل می دهند (مهری و همکاران، ۱۳۸۳):
  - توانایی تسهیل دسترسی بالقوه به بازار را داشته باشند.
  - باعث شوند مشتریان، سازمان را به عنوان منبع اصلی ارزش افزوده محصول تلقی کنند.



نمودار ۲. مدل پراهالاد و هامل (رقابت بر مبنای شایستگی محوری)



## ۲-۳- عوامل موثر بر توان رقابتی

عوامل ذیل نیز بر توان رقابتی و رقابت پذیری تاثیر می‌گذارند (مرادی و شفایی، ۱۳۸۴):

### الف- نقش اقتصاد داخلی در توان رقابتی

هرچه اقتصاد داخلی رقابتی تر باشد، شرکت های موجود می‌توانند با رقابت و تولید بیشتر در بازارهای خارجی عمل کنند و به تبع آن، کشور مسیر رشد و ترقی را سریع تر طی خواهد کرد. کشورهایی که از توان رقابتی بالایی برخوردارند از لحاظ بهره وری و استاندارد زندگی نیز شرایط مطلوب تری دارند. بهره وری منبع اساسی توسعه ملی و بقای شرکتها است و سطح رقابت پذیری را مشخص می‌کند. همچنین، مهارت در رقابت پذیری یک شرکت حاصل کارایی آن در اعمال مدیریت، تکنولوژی و استراتژی بکار گرفته شده می‌باشد و به سطح خلاقیتی که در فرآیند تولید و ایجاد ارزش از خود نشان می‌دهد وابسته است. به علاوه، مهارت شرکت در رقابت پذیری به وسیله کیفیت محیط کسب و کار مشخص میگردد. بنابراین، مهارت بیشتر یک شرکت، می‌تواند به یک محیط بهتر کسب و کار منجر گردد.

### ب- نقش تامین مالی در توان رقابتی

یک مکانیزم مالی توسعه یافته و دارای ارتباط مناسب با موسسه های مالی در سطح بین المللی در یک کشور به بهبود و پشتیبانی رقابت پذیری آن کشور منجر می‌شود. دارا بودن بازارهای مالی کارا، بهره مند بودن از یک بخش بانکی توسعه یافته و بهره گیری از خدمات مالی با کیفیت مناسب مجموعه عوامل مهمی را برای رقابت پذیری کشور شکل میدهند. برای قضاوت درباره رقابت پذیری نظام مالی، شاخص های متعددی وجود دارد که یکی از مهم ترین آنها هزینه دسترسی به سرمایه است. بنابراین، هزینه دسترسی به سرمایه در یک کشور یکی از مهم ترین شاخص های مکانیزم مالی است که امکان رشد اقتصادی را فراهم ساخته و قدرت رقابت پذیری را نمایان می‌سازد. در واقع، هر چه یک کشور از یک سیستم مالی و بانکی پیشرفته تری برخوردار باشد و دسترسی آسان تری به سرمایه وجود داشته باشد، توان رقابتی بنگاه های تولیدی آن کشور و به تبع آن قدرت رقابت پذیری کل اقتصاد افزایش خواهد یافت.

### پ- تحقیق و توسعه

مزیت رقابتی می‌تواند با اتکاء بر بکارگیری کارا و نوگرایانه تکنولوژی های جدید ایجاد شود. کیفیت تکنولوژی به خودی خود به وسیله ظرفیت کشور در علوم پایه و کاربردی تعریف می‌شود. سرمایه گذاری بلند مدت در تحقیقات پایه ای و ابداعات که تکنولوژی های جدید و قابلیت های آن را به وجود می‌آورد، برای رقابت پذیری کشور و رشد اقتصادی پایدار ضروری است. فقر اطلاعات دانش و تجربه منجر به مدیریت ضعیف و بهره وری پایین منابع انسانی می‌گردد. خود این عامل منجر به فرایند تولید ضعیف می‌شوند که در نهایت، عملکرد ضعیف شرکت ها را در پی دارد.

### ت- خصوصی سازی

حدود و چگونگی دخالت دولت در اقتصاد یکی از موضوعات مورد بحث اقتصاددانان طی دهه های گذشته بوده است. در گذشته یعنی تا قبل از جنگ جهانی اول، به واسطه حاکم بودن دیدگاه کلاسیک ها و حاکمیت بازار بر تصمیم گیری های اقتصادی، دخالت مستقیم دولت در فعالیت های تولیدی و اقتصادی اندک بود. پس از پایان جنگ جهانی اول و ایجاد اتحاد جماهیر شوروی به ویژه پس از بحران بزرگ اقتصادی در جهان غرب در سال 1929، با زیر سوال رفتن اندیشه مکتب کلاسیک و حاکمیت دیدگاه کینز در مسائل اقتصادی، دولت نقش مسلطی را در صحنه تولید و اقتصاد به دست آورد و مکانیزم بازار نقش جانبی پیدا کرد. در کشورهای در حال توسعه به واسطه وجود این اندیشه که در این کشورها نظام سازمان یافته ای به نام بازار وجود ندارد تا توانایی تخصیص منابع را دارا باشد، دولت ها از جایگاه ویژه در اقتصاد ملی برخوردار شدند.

علل اصلی روی آوردن کشورهای در حال توسعه به فرآیند خصوصی سازی را می‌توان متأثر از فشارهای مالی داخلی و خارجی به این کشورها، هزینه حمایت از واحدهای دولتی، عملکرد ضعیف بنگاه های تحت مالکیت دولت و توسعه بخش خصوصی در کشورهای پیشرفته دانست. از طریق خصوصی سازی و ایجاد محیط رقابتی می‌توان تولیدکننده را مجبور به تولید و فروش با قیمت حداقل کرد. مزیت بخش

به نتایج تحقیق، مهمترین عامل توان خلاقیت و نوآوری شناسایی گردید و پس از آن دو عامل دیگر یعنی موقعیت در بازار و سپس منابع داخلی بنگاه جای گرفتند. در سطح دوم مهمترین عوامل فرعی در هر گروه از عوامل اصلی به ترتیب اولویت به قرار زیر انتخاب شدند:

توان خلاقیت و نوآوری: استفاده از فن آوری اطلاعات، توان تحقیق و توسعه، مدیریت دانش

موقعیت در بازار: هوشمندی رقابتی، سرمایه مشتری منابع داخلی بنگاه: سرمایه مالی، سرمایه سازمانی، سرمایه انسانی

در سطح سوم زیرعوامل‌های هر یک از عوامل فرعی مورد مقایسه قرار گرفتند که از میان ۳۱ عامل موجود، سه عامل سرمایه گذاری، توسعه محصول جدید و شناخت بازارهای جدید به عنوان سه عامل نخست تاثیرگذار در قابلیت رقابت پذیری شرکتهای پیمانکار فعال در صنایع بالادستی نفت و گاز انتخاب شده‌اند. در واقع یکی از مهمترین راه‌های ورود به بازارها، تولید محصولات جدید جهت کسب مزیت رقابتی نسبت به رقبای می‌باشد که با ارائه آن به بازار جدید، سهمی از بازار در اختیار شرکت قرار گیرد. به دنبال آن، ورود به بازارهای جدید سبب افزایش توان مالی و همچنین افزایش توان رقابتی شرکت خواهد گردید که همین امر، امکان افزایش سرمایه گذاری‌ها در بخش تحقیق و توسعه را میسر خواهد نمود. بنابراین، افزایش توان رقابتی شرکت و به ویژه در ابعاد بین‌المللی با انجام این روند و پیگیری این توالی، امکان پذیر خواهد بود. مهدوی و ملکشاهیان (۱۳۸۳) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی مزیت نسبی محصولات صادراتی صنعت پتروشیمی ایران" با استفاده از شاخص‌های بالاسا و والراس به ارزیابی مزیت نسبی آشکار شده محصولات صنعت پتروشیمی ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایران در صادرات محصولات پتروشیمی از مزیت نسبی برخوردار بوده و سهم صادرات آن از صادرات کالاهای صنعتی کشور در حال افزایش است. همچنین، مشاهده می‌شود که روند مزیت نسبی آشکار شده اغلب محصولات منفی است. به عبارت دیگر، میزان عملکرد صادراتی محصولات پتروشیمی کشور به طور متوسط کاهش

خصوصی این است که از طریق رقابت می‌توان آن را تحت فشار قرار داد تا محصول را با قیمت حداقل تولید کند. این موضوع در ساختار دولتی امکان پذیر نیست. بنابراین، خصوصی سازی منجر به کاهش هزینه‌ها و رشد نوآوری و در نتیجه کاهش قیمت کالاها می‌شود. از سوی دیگر، تورم به دلیل فشار هزینه کنترل می‌گردد و جامعه از آن سود می‌برد و البته امکان صادرات نیز فراهم می‌شود، زیرا کالایی قابل صدور است که به قیمت رقابتی تولید گردد. یک پژوهش بر مبنای تفکر پایه ریزی می‌شود و اندیشه و تفکر هر دوره و فردی بر مبنای تفکر و اندیشه‌های گذشته خود پایه ریزی می‌شوند. از این رو هر پژوهشی چه محقق آن آگاه باشد و چه به آن آگاهی نداشته باشد بر مبنای تفکرات و مطالعات تحقیق‌های پیشین پایه ریزی می‌شود و اشاره به این پیشینه‌های تحقیق، پژوهش را به تحقیق‌های پیشین پیوند می‌دهد و اهمیت آن را در تکامل دانسته‌های گذشته روشن می‌کند. پیشینه تحقیق در پایان نامه می‌تواند بسیار مورد توجه و با اهمیت باشد تا جایی که در برخی از موارد از روی تعداد تحقیق‌های پیشینی که پژوهشگر به آن مراجعه کرده است میزان تسلط و تامل او در زمینه تحقیق را قضاوت می‌کنند. گفته می‌شود که پژوهشگرانی تسلط کافی بر موضوع تحقیق دارند و آن را خوب مطالعه کرده‌اند، کسانی بوده‌اند که پیشینه تحقیق خود را کاملاً پیدا کرده باشند.

در ادامه به چند مورد مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور که در این خصوص صورت گرفته است، اشاره می‌گردد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاستهای دولت و بعد از آن وضعیت صنایع مرتبط و پشتیبان و سپس شرایط عوامل تولید و در نهایت شرایط تقاضا به ترتیب بیشترین نقش را به عنوان موانع توسعه صادرات گز ایران بازی میکنند.

یقطين (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "تعیین عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شرکتهای فعال در صنایع بالادستی نفت و گاز کشور" دریافت که: توان رقابتی شرکتهای پیمانکار فعال در بخش بالادستی نفت و گاز در سه سطح مورد بررسی قرار گرفت. در سطح اول، از میان سه عامل اصلی منابع داخلی بنگاه، موقعیت در بازار و توان خلاقیت و نوآوری، باتوجه

منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری های نوین در امر تولید و توسعه منطقه ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می شود. بنا به تعاریف بین المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره گیری از مزایای نظیر معافیت های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می نماید. وفق تعریف سازمان ملل متحد از مناطق آزاد به عنوان محرک در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می شود. منطقه ویژه اقتصادی عبارت است از محدوده جغرافیایی مشخص در مبادی ورودی یا در داخل کشور که به منظور جذب سرمایه های خارجی و داخلی و همچنین ایجاد عرصه فعالیت های تولیدی و تجاری جهت افزایش صادرات کالا و ارائه بهینه خدمات برای حضور فعال در بازارهای منطقه ای و بین المللی ایجاد می شوند.

#### الف- اهداف شکل گیری منطقه ویژه

فراهم نمودن تسهیلات لازم جهت دستیابی خریداران عمده داخلی و خارجی به کالاهای مورد نیاز خود در این منطقه، دسترسی آسان آنان به بازارهای تجاری منطقه ای و بسط و توسعه تجارت خارجی کشور

- جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی

- افزایش تولید داخلی و توسعه صادرات غیر نفتی

- ایجاد عرصه فعالیت های تجاری منطقه ای با توجه به بازار کشورهای آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس و بهره برداری مفید از این بازارها با استفاده از تسهیلات ترانزیت

خارجی، صادرات و صادرات مجدد

- ایجاد اشتغال و افزایش نیروی انسانی متخصص

- تسریع در انجام امور زیربنایی و توسعه اقتصادی منطقه

- تنظیم بازار کالا و ارائه خدمات عمومی

یافته است. از مطالعات تجربی خارجی درباره مزیت رقابتی می توان به موارد زیر اشاره کرد :

ادواردز و گلوب ( ۲۰۰۴ ) در پژوهشی با استفاده از هزینه واحد نسبی نیروی کار توان رقابت هزینه ای کشور آفریقای جنوبی ارزیابی شده است. براساس نتایج به دست آمده در سال ۱۹۹۰ هزینه واحد نسبی نیروی کار کاهش یافته است، اما با این حال نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه در سطح بالاتری است. در این مقاله، تحلیل های اقتصاد سنجی نشان داده است که هزینه واحد نسبی نیروی کار اثر معناداری بر صادرات دارد.

بالتا- اینوسنسیو و دیوید (۱۹۹۵) در پژوهشی با استفاده از شاخص هزینه منابع داخلی به بررسی تغییرات مزیت نسبی و رقابتی و همچنین عوامل موثر بر تغییرات تولید برنج فیلیپین طی دوره ی زمانی ۱۹۹۶-۱۹۹۰ پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی است که رشد بهره وری، قیمت های جهانی، قیمت های سایه ای نهاده ها، نرخ ارز، و سیاست های دولت در مزیت رقابتی فیلیپین در تولید برنج مؤثرند. فرتو و هابارد (۲۰۰۲) در مقاله ای، با استفاده از شاخص هزینه منابع داخلی به ارزیابی مزیت نسبی محصولات کشاورزی کشور مجارستان در دوره ( ۱۹۹۲-۱۹۹۸ ) پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که علیرغم تغییرات معنادار در بخش کشاورزی مجارستان در طول دهه ۱۹۹۰، روند شاخص مزیت نسبی آشکار شده و به طور متوسط پایدار بوده است. بر اساس این مقاله، شاخص هزینه منابع داخلی علیرغم محدودیت هایی که دارد می تواند شاخص مناسبی برای تعیین توان رقابتی و مزیت نسبی محصولات کشاورزی مجارستان باشد و زمانی که عضویت مجارستان در اتحادیه اروپا به وقوع پیوست می تواند کاربردهای مناسبی داشته باشد.

#### ۲-۴- منطقه ویژه اقتصادی بندر بوشهر

منطقه آزاد تجاری - صنعتی، عبارت است از: منطقه آزاد قلمرویی است که غالباً در داخل یا مجاورت یک بندر واقع شده و در آن تجارت آزاد با سایر مناطق جهان مجاز شناخته شده است. در این محدوده جغرافیایی مشخص، قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی شود و به

### ۳- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، اکتشافی - توصیفی، داده های تحقیق از نوع کیفی، محل اجرای تحقیق میدانی، دوره انجام پژوهش بصورت مقطعی و روش گردآوری داده ها از نوع پیمایشی می باشد. در این تحقیق از ابزارهایی از قبیل مصاحبه و پرسشنامه بسته با عنوان "بررسی و آنالیز نقش مولفه های بیرونی مدل الماس ملی مایکل پورتر در کسب، حفظ و توسعه توان رقابتی (مورد مطالعه: بنادر و دریانوردی بوشهر)" با طیف لیکرت شامل ۱۷ سوال جهت جمع آوری داده ها استفاده شده است. گردآوری داده ها در دو مرحله صورت می گیرد. ابتدا تعداد ۹۸ نفر به عنوان نمونه از جامعه آماری که دارای ویژگی هایی از قبیل تسلط در زمینه دانش شغلی، تصمیم گیرنده، متخصص، باتجربه و علاقه مند باشند انتخاب، و با استفاده از پرسشنامه بسته به جمع آوری داده ها برای شناسایی مزیت رقابتی بنادر و دریانوردی استان بوشهر بر اساس مدل الماس ملی مایکل پورتر پرداخته خواهد شد. سپس برای طراحی الگوی اثربخش مزیت رقابتی، براساس همان جامعه آماری، با بکارگیری تکنیک مصاحبه به شیوه اشباع نظری، اطلاعات مربوط به متغیرها و مولفه های مورد مطالعه جمع آوری خواهند شد. مورد مطالعه، مقوله بنادر و دریانوردی استان بوشهر در سال ۱۳۹۷ می باشد. روش نمونه گیری بصورت هدفمند و قضاوتی می باشد که در دو مرحله صورت میگیرد. ابتدا برای شناسایی مزیت رقابتی بنادر و دریانوردی استان بوشهر بر اساس مدل الماس ملی مایکل پورتر، از بین ۱۳۲ نفر جامعه آماری، با استفاده از فرمول کوکران و جدول مورگان تعداد ۹۸ نفر که دارای ویژگی هایی از قبیل تسلط در زمینه دانش شغلی، تصمیم گیرنده، متخصص، باتجربه و علاقه مند باشند انتخاب، و با استفاده از پرسشنامه بسته به جمع آوری اطلاعات پرداخته خواهد شد.

منطقه ویژه اقتصادی بوشهر نه تنها زمینه های سرمایه گذاری در بخش های مختلف استان و استانهای همجوار را فراهم می سازد و به روند توسعه پردازش صادرات کمک می نماید؛ بلکه با برخورداری از امکانات یاد شده، زمینه های جذب سرمایه گذاری کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و در نهایت افزایش صادرات غیرنفتی را نیز فراهم آورده است (وب سایت رسمی منطقه ویژه اقتصادی بوشهر، ۱۳۹۴).

### ۲-۵- ضرورت حمل و نقل چند وجهی برای مزیت رقابتی

حمل و نقل چندوجهی که در آن کالا توسط یک واسطه یا فورواردر با استفاده از دو یا چند رویه حمل و نقل از مبدأ اولیه به مقصد نهایی ارسال می شود، می تواند نقش بی بدیلی را در تسهیل تجارت ایفا کند. هنگام بهره برداری از روش حمل و نقل چندوجهی، ترکیبات مختلفی از رویه های حمل وجود دارد که براساس شرایط اقلیمی و نیز امکانات زیرساختی منطقه می توان از مجموعه ای از رویه های حمل در قالب یک مجموعه حمل و نقل چندوجهی بهره برد (اصل سعیدی پور، ۱۳۹۱).

### ۲-۶- دسترسی به پسرکانه شاه کلید مزیت رقابتی

پسرکانه مناطقی هستند که در آن یک ترمینال حمل و نقل و یا یک بندر، مبادرت به فروش خدمات خود و تعامل با مشتریان خود میکند. به عبارت دیگر پسرکانه به زمین های واقع در پشت بندرگاه ها گفته می شود که نقش پشتیبانی و تامین کالاهای صادراتی از بندرگاه و پخش و جذب وارداتی از بندر را عهده دار باشند. هر بندر تلاش می کند سهم خود را از بازار منطقه را نسبت به مجموعه ای از بنادر دیگر که در حال سرویس دهی هستند، بیشتر کند.

### ۲-۷- مدل مفهومی تحقیق

پژوهش میدانی و پیمایشی مستلزم نقشه ذهنی و مدل مفهومی است که در قالب ابزار تحلیلی مناسب، متغیرها و روابط بین آنها را ترسیم می نماید.

#### ۴- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل توصیفی سوالات پرسشنامه ۱۷ سوال پرسشنامه در ۲ گروه (مولفه) تعریف شده اند که در این بخش نحوه پاسخگویی به هر سوال و متغیرهای توصیفی آنان بیان

می‌شود. در بخش تحلیل توصیفی، آماره های توصیفی و نحوه پاسخگویی به سوالات مورد بررسی قرار گرفت که خلاصه هر کدام در قالب جدول ۱ ارائه می‌شود:



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق

جدول ۱. خلاصه نتایج بخش متغیرهای توصیفی سوالات پرسشنامه

سوال	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمترین جواب	بیشترین جواب
<b>نقش دولت</b>					
۱	۳/۵۶	۰/۸۷	۰/۷۶	۲	۵
۲	۳/۱۷	۰/۸۳	۰/۷	۱	۵
۳	۳/۲	۰/۹۴	۰/۸۸	۱	۵
۴	۳/۳۶	۱/۱۵	۱/۳۲	۱	۵
۵	۲/۵۵	۱/۰۹	۱/۱۹	۱	۵
۶	۳/۱۴	۱/۰۵	۱/۱۱	۱	۵
۷	۳/۵	۱/۰۵	۱/۱۱	۱	۵
۸	۳/۳	۱/۰۲	۱/۰۶	۱	۵
۹	۳/۲۹	۰/۹۶	۰/۹۳	۱	۵
۱۰	۳/۳۳	۱/۰۵	۱/۱۱	۱	۵
<b>شانس (عوامل غیربازاری)</b>					
۱۱	۳/۹۶	۰/۸۱	۰/۶۶	۲	۵
۱۲	۴	۰/۸۱	۰/۶۶	۲	۵
۱۳	۳/۵۳	۰/۸۸	۰/۷۸	۱	۵
۱۴	۳/۵۱	۰/۸۸	۰/۷۸	۱	۵
۱۵	۳/۵۶	۰/۹	۰/۸۲	۱	۵
۱۶	۳/۳۷	۰/۸۴	۰/۷۱	۱	۵
۱۷	۳/۷۴	۰/۸۶	۰/۶۶	۲	۵

آزمون استنباطی تحقیق فرضیه  $H_0$ ؛ بنابراین باید از آزمون‌های ناپارا متریک استفاده شود. با توجه به اینکه در سوالات این تحقیق، وضعیت بندر بوشهر نسبت به یک عامل سنجیده می‌شود باید از آزمون‌های تک متغیره ناپارامتریک استفاده شود که بدلیل سهولت در تفسیر نتایج از آزمون کای مربع استفاده می‌شود.

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال نبودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به نتیجه آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مشاهده می‌شود که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می باشد که نشان می‌دهد داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند (تایید نتایج آزمون کای مربع یا خی دو در این بخش مولفه های تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند.

نقش دولت

$H_0$ : وضعیت مولفه نقش دولت در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب نیست.

$H_1$ : وضعیت مولفه نقش دولت در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب است.

جدول ۲. نتیجه آزمون کای مربع مولفه‌ی دولت

سوال	کای مربع	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	۲۳/۸۳	۳	۰/۰۰۰
۲	۷۹/۵۵	۴	۰/۰۰۰
۳	۴۴/۵۵	۴	۰/۰۰۰
۴	۱۸/۸۳	۴	۰/۰۰۱
۵	۳۰/۳۶	۴	۰/۰۰۰
۶	۲۸/۹۳	۴	۰/۰۰۰
۷	۳۲/۳۰	۴	۰/۰۰۰
۸	۴۵/۴۶	۴	۰/۰۰۰
۹	۴۲/۸۱	۴	۰/۰۰۰
۱۰	۴۰/۶۷	۴	۰/۰۰۰

وضعیت مولفه نقش دولت در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب است.

با توجه به نتیجه جدول فوق الذکر مشاهده می شود که سطح معنی داری در تمامی سوالات این مولفه کمتر از ۰/۰۵ می باشد که نشان می‌دهد فرضیه  $H_1$  مورد تایید قرار می‌گیرد، یعنی شانس (عوامل غیربازاری)

$H_0$ : وضعیت مولفه شانس (عوامل غیربازاری) در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب نیست.

$H_1$ : وضعیت مولفه شانس (عوامل غیربازاری) در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب است.

جدول ۳. نتیجه آزمون کای مربع مولفه ی شانس

سوال	کای مربع	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱۱	۳۹/۳۸	۳	۰/۰۰۰
۱۲	۳۳/۷۵	۳	۰/۰۰۰
۱۳	۵۵/۵۷	۴	۰/۰۰۰
۱۴	۵۷/۵۱	۴	۰/۰۰۰
۱۵	۵۵/۲۶	۴	۰/۰۰۰
۱۶	۶۴/۴۴	۴	۰/۰۰۰
۱۷	۳۸/۲۴	۳	۰/۰۰۰

مولفه شانس (عوامل غیربازاری) در بنادر و دریانوردی استان بوشهر مناسب است.

با توجه به نتیجه جدول فوق الذکر مشاهده می شود که سطح معنی داری در تمامی سوالات این مولفه کمتر از ۰/۰۵ می باشد که نشان می دهد فرضیه  $H_1$  مورد تایید قرار می گیرد. یعنی وضعیت

### ۵- نتیجه گیری

برای آن در نظر گرفته است که برای رسیدن به این اهداف نیازمند توسعه می باشد. با توجه به قرارگیری بندر در داخل شهر توسعه فیزیکی بندر از طریق پسکرانه های آن امکانپذیر است. مطالعات موسسات مشاور سرمایه گذاری، جزیره نگین را به عنوان بهترین مکان برای اجرای طرح توسعه بندر بوشهر انتخاب کرده است. افزایش توسعه بندر در سطح داخلی و کشورهای حوزه خلیج فارس، بنادر استان بوشهر را با رقابت شدیدی مواجه کرده است که برای در امان بودن از این رقابت، لازم است به مزیت رقابتی خود توجه نماید. برای بررسی مزیت رقابتی هر صنعت یا سازمان الگوهای متفاوتی وجود دارد که در این پژوهش از مدل الماس ملی مایکل پورتر برای بررسی توسعه مزیت رقابتی بندر و دریانوردی استان بوشهر استفاده شده است. این مدل علاوه بر ۴ مولفه نهاد های تولیدی و خدماتی، شرایط تقاضا، سنجش راهبرد، ساختار و رقابت و صنایع وابسته و پشتیبان، از دو مولفه ی بیرونی ( دولت و شانس) نیز به شدت تاثیر می پذیرد.

نقش دولت در کشورهایی همچون کشورمان ایران که بسیاری از فعالیتهای اقتصادی و بنیادین در اختیار دولت قرار دارد، پررنگ تر و چشمگیرتر بوده و از تاثیرگذاری بسیار جدی و انکارناپذیری برخوردار می باشد. عملکرد جهانی صنعت بنادر در جهت توسعه و بهبود قابلیت های این صنعت می تواند موجب تحولات شگرفی در زنجیره های تامین جهان شود. باید توجه داشت که اغلب قابلیت ها در صنعت بنادر در شمار دارایی های فیزیکی نیستند: آنها از جنس دانش، مهارت، تجربه، فرآیندها، سیستم های اطلاعاتی، سیستم های شبکه گسترده، سازمان، فرهنگ، تغییرپذیری، ارتباطات، اراده کارآفرینی، کانال های توزیع، وفاداری مشتریان، قراردادهای، برندها، روابط مالی و غیره هستند. در واقع ارزش عملکرد بندر و رقابت پذیری آن در گرو برهم کنش جامع، موثر و هم افزای مجموعه این عوامل در سطح کل بندر است. در میان بنادر کشورمان، بندر بوشهر به عنوان نزدیکترین بندر به کشورهای حوزه خلیج فارس به حساب می آید که با توجه به قابلیت های این منطقه، از طرف سازمان بنادر و دریانوردی اهدافی مختلف





نمودار ۳. مدل نهایی

-حسینی، س.م. و روزبانه، د.، (۱۳۹۰)، "توسعه الگوی مزیت رقابتی پورتر و کاربرد آن در صنعت پتروشیمی ایران"، مجله مطالعات مدیریت راهبردی.

-دلوی، م.ر. و فلسفی نژاد، م.، (۱۳۸۹)، "مروری بر تئوری‌های مزیت رقابتی"، ماهنامه تدبیر، مجموعه مدیریت.

- حسین‌پور، م.، (۱۳۸۷)؛ "اقتصاد و تجارت بین الملل"، هفته نامه تخصصی امور گمرک.

-مهری، علی، (۱۳۸۲)، "نگاهی نظری به مقوله مزیت رقابتی پایدار"، مجله تدبیر.

-احمد سیماب، ع.ر. و محمد سیروس، ک.، (۱۳۸۴)، "مدل شناسایی شایستگی های محوری در کشورهای در حال توسعه"، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران، گروه پژوهشی آریانا.

-پورسعید، س.م. و مرادی، غ. و شعبانی، ا.، (۱۳۹۱)، "الگوی شایستگی های محوری دانشگاه علوم انتظامی با تاکید بر مدیریت دانش"، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی.

-حمیدی زاده، م.ر. و حسین زاده شهری، م.، (۱۳۸۷)، "طراحی مدل تعیین شایستگی‌های محوری سازمانی (موردکاوی: شرکت ایران خودرو)"، مجله چشم انداز مدیریت.

-مرادی، م. و شفایی، ر.، (۱۳۸۴)، "رقابت پذیری از دیدگاه مدل الماس پورتر"، مجله تدبیر.

از یافته های پژوهش اینست که مولفه های دولت، شانس، بیشترین میزان اهمیت را بعد از مولفه ی نهاده های تولیدی در دستیابی به مزیت رقابتی در بنادر و دریانوردی بوشهر از منظر پاسخ دهندگان جامعه آماری بر اساس مدل الماس ملی مایکل پورتر به خود اختصاص داده اند. در خصوص مولفه ی شانس نکته مهم اینست که علیرغم اینکه تا حد زیادی غیر قابل کنترل است ولی تاثیر قابل توجه و حائز اهمیتی بر مزیت رقابتی بندر دارد. این مولفه ارتباط مستقیم با توانمندیها، ظرفیت ها و شایستگی های بندر دارد. در خصوص سوال ۵ از مولفه ی دولت مربوط به نظرات و دیدگاه های پاسخ دهندگان راجع به مدیریت نرخ ارز، بهره بانکی و نوسانات مربوطه میباشد که در هنگام تجزیه و تحلیل نتوانست حد متوسط و قابل قبول را کسب کند. در بیان علت این موضوع باید گفت که نوسانات نرخ ارز، موجب ایجاد فضایی بی ثبات و نامطمئن در اقتصاد و سرمایه گذاری یک کشور میگردد، که مشکلات و معضلاتی از قبیل از دست دادن فضای رقابتی و سطح رقابت پذیری ملی و بین المللی صنایع و تاسیسات می شود. در این راستا باید اذعان داشت که بنادر و دریانوردی با توجه به نوع فعالیت ها و خدمات، کلیه هزینه ها و حقوق و عوارض مترتب بر کشتی و همچنین خدمات جانبی بر مبنای ارز رایج بین المللی محاسبه و وصول میگرددند، که این امر تاثیر مستقیم از نرخ ارز و نوسانات آن میپذیرد. در واقع این مسئله مهمترین عامل ایجاد مزیت رقابتی یعنی کاهش هزینه را نشانه رفته و باعث از دست دادن مزیت رقابتی بندر در این زمینه میشود. افزایش نرخ تورم در کشور، باعث کاهش رقابت پذیری صنایع مختلف داخلی بویژه صنایع ارز محور شده و تقاضا برای کالاها و خدمات رقیبا افزایش می یابد.

## ۶-مراجع

-حقیقی، م. (۱۳۸۸)، "بازرگانی بین المللی (نظریه ها و کاربردها)"، (چاپ دوم)، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

- پورعبائیان، م. ح. (۱۳۹۲)، "تعیین موانع توسعه صادرات محصولات صنعت گز ایران براساس مدل الماس رقابت ملی پورتر". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- یقظین، ش.، (۱۳۹۷)، "تعیین عوامل موثر بر رقابت پذیری شرکتهای فعال در صنایع بالادستی نفت و گاز کشور". تحقیق. شرکت نفت و گاز.
- ابوالقاسم، م. و ملک شاهیان، م.، (۱۳۸۳)، "بررسی مزیت نسبی محصولات صادراتی صنعت پتروشیمی ایران"، نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران، مقاله شماره ۲۱، ص. ۹۱-۱۱۳.
- اصل سعیدی پور، م. ع.، (۱۳۹۱)، "درآمدی بر حمل و نقل چندوجهی". ماهنامه بندر و دریا شماره ۱۹۲.
- حسن‌زاده محمدی، م. ع.، (۱۳۹۰)، "اقتصاد حمل و نقل دریایی"، تهران: نشر آرامش.
- صفارزاده، م. و دیگران (۱۳۸۸)، "حمل و نقل دریایی (چاپ دوم)"، تهران: اسرار دانش.
- سعادتی، ر.، (۱۳۹۳)، "نقدهایی بر نظریات مزیتی تجارت بین الملل"، دو فصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی، سال دوم، شماره اول.
- Krugman, Paul (1980), "Trade, accumulation, and uneven development", Journal of Development Economics.
- Krugman, Paul (1987), "The narrow moving band, the dutch disease, and the competitive consequences of Mrs. Thatcher", Journal of Development Economics.
- <http://juju-tanha.blogfa.com/post/153>.
- Prahalad, C.K. and Hamel, Gary (1990), "Core competence of the corporation", Harvard Business Review.
- Porter, Micheal E (1990), "The competitive advantage of nations", Harvard Business Review.
- Porter, Micheal E (1997), "How competitive forces shaps strategy", Harvard Business Review.
- Porter, Micheal E (1998), "Competitive advantage creating and sustaining superior performance", Free Press.
- <http://shahinv.blogfa.com/post-1.aspx>.
- <https://hdaneshjoo.com/product/38955>.